

ذره بین

ماجرای سرقت از خانه کارفرما

سارقی که با اطلاع از نبود کارفرمایش، از خانه او سرقت می‌کرد، از سوی پلیس پایتخت دستگیر شد.

نوزدهم آذرماه سال گذشته پرونده‌ای از کلانتری ۱۵۹ بی سیم با موضوع سرقت از منزل به دادخواهی خانمی به این یگان ارجاع شد.

شاکی درباره جزئیات این ماجرا گفت: «حدود دوماه خانه خود را به همراه خانواده در خیابان شوش به قصد عزیمت به شهرستان ترک کردم. پس از بازگشت متوجه شدم سارق یا سارقان از طریق تخریب قفل در وارد ساختمان شده‌اند. آنها مقادیری اموال از قبیل لوازم خانه، یک گوشی تلفن همراه، یک چک بانکی، ساعت مچی و غیره با ارزش تقریبی ۳۰۰ میلیون ریال سرقت کرده بودند.»

با اعلام این شکایت بررسی موضوع در دستور کار عوامل تخصصی تیم مبارزه با سرقت منزل پایگاه قرار گرفت. کارآگاهان برای انجام تحقیقات محلی و میدانی و همچنین بازدید محل سرقت به محل جرم عزیمت کردند.

آنها در پالایش اطلاعات به دست آمده، متوجه شدند که سرقت توسط فردی به نام سهراب انجام شده است. در بررسی‌های بیشتر مشخص شد که متهم در مخفیگاه و پاتوقش تردد ندارد.

همزمان با این موضوع برابر اعلام شاکی پرونده، چک مسروقه توسط شخصی به بانک ارایه شد. بلافاصله مشخصات فرد ارایه دهنده چک مسروقه اخذ و با دستور قضائی از او دعوت شد تا به پایگاه ششم پلیس آگاهی مراجعه کنند. ارایه دهنده چک گفت که کارگاه تولیدی دارد و چک توسط یکی از کارگران او به نام سمیرا به او واگذار شده است. بعد از آن سمیرا نیز گفت که

چک را همسرش نوید که در حال حاضر در زندان به سر می‌برد، به او داده است. در استعلام انجام شده به دست آمد نوید اخیرا به اتهام مصرف مواد مخدر روانه زندان شده است. با هماهنگی

مرجع قضائی متهم از زندان تحویل و برای انجام تحقیقات در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. او در تحقیقات گفت چک و گوشی را از شخصی به نام سهراب که دوست اوست، گرفته و او

نیز به اتهام مصرف مواد مخدر دستگیر و در زندان در حال تحمل حبس است. سهراب نیز طی هماهنگی از زندان تحویل داده شد. او در تحقیقات تکمیلی به سرقت از منزل شاکی اعتراف کرد.

او گفت: «کارگر همسر شاکی بودم. به دلیل اطلاع از نبود شاکی و خانواده او طی چند مرحله و به تدریج اقدام به سرقت و خروج اموال از منزل شاکی کردم. سرقت را به تنهایی انجام و اموال را

پس از سرقت به افراد رهگذر در میدان شوش فروختم. در حال حاضر نیز قادر به معرفی مالخر نیستم.» سرهنگ کارآگاه «علی کنجوریان» رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام

این خبر، گفت: «با تکمیل تحقیقات پلیسی، پرونده به همراه متهمان به دادسرا ارسال و هر دو متهم با قرارهای تأمین مناسب روانه زندان شدند.»



سرقت کابل برق از سوی دزدان لودرسوار

سارقانی که با استفاده از لودر، اقدام به کندن زمین و سرقت کابل‌های برق فشار قوی می‌کردند، از سوی پلیس دستگیر شدند.

سرهنگ حسین زلّقی، فرمانده انتظامی آبادان در خصوص جزئیات این خبر گفت: «به دنبال چند سرقت کابل برق فشار قوی در شهر چوبنده، کارشناسی و دستگیری سارقان در دستور کار پلیس قرار گرفت. مأموران کلانتری ۱۴ چوبنده با انجام تحقیقات میدانی موفق شدند دو سارق را که با لودر اقدام به کندن زمین و

سپس سرقت کابل برق فشار قوی می‌کردند را شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضائی آنان را در مخفیگاهشان دستگیر

کنند.» فرمانده انتظامی شهرستان آبادان ادامه داد: «در بازرسی از مخفیگاه سارقان مقدار تقریبی ۲۵۰ متر کابل برق فشار قوی به ارزش یک میلیارد تومان کشف و ضبط و ابزار مخصوص سرقت و خودروهی که کار گرفته شده در سرقت‌ها نیز توقیف شد.» سرهنگ زلّقی

ادامه داد: «سارقان با کندن زمین توسط لودر نه تنها زمین‌های زراعی و محل تردد شهروندان چوبنده را به مخاطره انداختند، بلکه ساکنان آن منطقه را با نوسانات برق مواجه کردند.» او با اشاره به

اعتراف سارقان به انجام ۱۶ فقره سرقت در این باره، گفت: «سارقان پس از تشکیل پرونده قضائی، تحویل دادسرا و سپس با قرار صادره راهی زندان شدند.»



دومین قتل عام خانوادگی فجیع در فاصله یک ماه؛ این بار در اهواز

مرد شیشه‌ای ۸ نفر را کشت

مرد شیشه‌ای در اقدامی جنون‌آمیز ۸ تن از اعضای خانواده خود را به قتل رساند و خودکشی کرد. عامل جنایت ابتدا در اهواز پدر، مادر و دو برادر همسر اول خود در اهواز را به قتل رساند و سپس با مراجعه به خانه همسر دوم اقدام به قتل پدر و مادر زن دوم، پسر خود و برادر زن دوم خود می‌کند. متهم بعد از این جنایت‌ها به زندگی خود نیز خاتمه داد.

این قتل عام دومین جنایت دهشتناک ۲۰ روز گذشته است. در پایان سال ۹۹ هم مردی به نام عبدالودود به طرز هولناکی دو دخترعموی خود را به نام زهرا و حدیده، مادر بزرگ ۷۵ ساله به همراه دخترعموی دیگرش و یک خواستگار ۲۱ ساله و ۳ مرد دیگر را با سلاح کلاشینکف به قتل رساند.

داستان چه بود؟

ماجرای آنجایی آغاز شد که مرد جوانی به نام فائز کربلوی در حالی که یک قبضه سلاح کلاشینکف در دست داشت، وارد خانه همسر اولش شده و حدود ۴ نفر از اعضای خانواده آنها به نام جعفر کربلوی ۶۵ ساله، جسیمه جمیلی ۶ ساله، عبدو کربلوی ۴۵ ساله نابینا، ثمین کربلوی ۳۳ ساله را به قتل می‌رساند.

مرحله دوم جنایت خانوادگی

قاتل، پس از قتل عام هولناک اهواز، به سمت شهرستان کارون می‌رود. او به محض ورود به خانه همسر دوم خود، پدر، مادر و برادرزاده همسر دوم و پسر ۹ ساله‌اش را به گلوله می‌بندد و سپس دست به خودکشی می‌زند.

قاتل سابقه دار

فائز در سال ۸۸ به اتهام حمل سلاح و در سال ۹۴ به دلیل ضرب و جرح همسر دوم دستگیر شده بود. فائز راننده کامیون و مکانیک ماشین سنگین بود.

او به صورت تنها در یک واحد مسکن مهر زندگی می‌کرده و طبق شواهد از وضع اقتصادی بدی برخوردار بوده است. چندبار خانواده هر دو همسر را تهدید کرده است.

علت قتل عام خانوادگی

بررسی هانشان می‌دهد این جنایت به دلیل اختلافات شدید خانوادگی رخ داده است.

ماجرای جنایت هولناک کنگان

هشت زن و مرد کنگانی تیرباران شدند. قاتل روز بیست و هشتم اسفندماه ۹۹ با

اسلحه جنگی کلاشینکف در ۴ درگیری ۸ نفر را به قتل رساند و متواری شد. این متهم هم سابقه دار بود. عامل این جنایت‌ها پسرعموی کینه‌جو بود که دخترعموها و پسرعمو و مادر بزرگش را به رگبار بست. مردی ۵۰ ساله که با فخرست بلندبالایی از افرادی که تصمیم گرفته بود به قتل برساند، جنایت‌هایش را آغاز کرد. اما پیش از اینکه به زندگی اسامی‌ای که در لیستش قرار داشت پایان دهد،

در تله پلیس گرفتار شد. او هدف گلوله تک‌تیراندازها قرار گرفت و کشته شد.

تحقیقات نشان می‌داد متهم در سال ۷۳ به دلیل اختلافات شخصی یک زن را به قتل رسانده بود و جسدش را مثله و در محلی خلوت رها کرده بود.

عبدالودود خیلی سریع دستگیر شد و به قصاص محکوم شد. خانواده مقتول رضایت دادند و عبدالودود که پسر جوتی بود، از دار مجازات رهایی یافت.

اما این شروع تبهکاری‌های قاتل بود، چراکه او پس از آزادی از زندان شروع به قاچاق مواد مخدر کرد. او مواد را از ایران به قطر قاچاق می‌کرد اما در قطر به جرم حمل مواد مخدر به زندان افتاد. او ۲۰ سال

را در زندان قطر سپری کرد و در نهایت اردیبهشت سال گذشته آزاد شد و به کنگان برگشت. وقتی به ایران بازگشت، ازدواج کرد. اما لیست بلندبالایی آماده کرد تا دست به انتقام بگیرد. تصمیم گرفت تا آنهایی را که زندگی‌اش را نابود کرده‌اند،

به قتل برساند. زندگی‌اش را مرور کرده بود و تک‌تک اسم مقتولان را در ذهنش ثبت کرده بود. از دوران کودکی اش اسامی نوشته شده بودند.

یکی از قربانیان نقش مهمی در دوران کودکی متهم داشتند که او را کشت. قربانی دیگر کسی بود که قاتل تصور می‌کرد او

مسبب ۲۰ سال زندانی‌اش در قمار است. مرد جنایتکار که بر سر مسائل شخصی با عموزاده‌هایش نیز اختلاف داشت، آنها را هم در فهرست قربانیان خود قرار داده بود

و به غیر از آنها، تصمیم داشت قتل‌های دیگری هم انجام دهد.

تهدیدهای عبدالودود جدی بود و هر لحظه احتمال می‌رفت که او دست

به جنایت دیگری هم بزند. کارآگاهان جنایی برای جلوگیری از جنایت‌های دیگر قربانیان احتمالی لیست متهم را به ستاد

پلیس منتقل کردند. نقشه کارآگاهان مو

بهاجر شد. قاتل سی‌ام اسفندماه با استفاده از تریکی شب وارد ستاد پلیس شد، اما او در تله پلیس افتاد و سلاحش را به طرف مأموران گرفت اما پیش از آنکه موفق به تیراندازی شود، هدف گلوله تک‌تیراندازها قرار گرفت و کشته شد.

آخرین حرف‌های قاتل کنگانی قبل از مرگ

او پیش از اینکه به دام مأموران بیفتد، در صوت‌هایی که منتشر کرد، انگیزه جنایت‌هایش را فاش کرد. اسم من عبدالودود است و این اسم‌هایی است

که من دوست ندارم و فقط برای معرفی آدم‌هاست که همدیگر را بشناسند. من یک زندگی عادی و ساده را دوست

داشتم. من نه ظالمم و نه دزد و ترسو هستم اما مردم به من ظلم کردند.

۲۷ سال از بهترین سال‌های زندگی‌ام در زندان گذشت و بعد از این سال‌ها به خاطر مادر و خانواده و دوستان و فامیل‌ها دوست داشتم یک زندگی ساده داشته باشم. ما در خانه‌ای ۳۰۰ متری زندگی

می‌کنیم و ما خانواده معروفی هستیم. من آدم پولداری هستم و هر جای دنیا دلم بخواهد می‌توانم زندگی کنم و هر جایی می‌توانم زندگی کنم. صدها خانه دارم و به

جز چین و کره هر جای دیگری می‌روم. من کوچک‌ترین اهانتی به کسی نکرده‌ام، چون در خانواده با ادبی بزرگ شدم و سعی کردم مشکلی ایجاد نکنم. ولی نشد، چون وقتی چیزی ببینی و ساکت بمانی، یعنی آدم ترسوئی هستی. برای همین قرار گذاشتم ساکت ننشینم.

